

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ای پیک راستان، خبر یار ما بگو
احوال گل به بلبل دستان سرا بگو
ما محرمان خلوت انسیم غم مخور
با یار آشنا، سخن آشنا بگو
حافظ^۱

مقدمه

۱. دفاع علمی از مذهب حقّ تشیع در دو قالب، شایسته است:
یکی، رویکرد کلامی و جدالِ رو در رویِ اعتقادی.
دیگری، نگاه کارکرد سنجی. در این روش، مقایسهٔ منصفانه در محصولِ بینش
و منش مذهب حقّ و مذاهبِ حقّ نَماست که سَنجَةُ قَضَاوت قرار می‌گیرد. گویی
«إِنَّ آثَارَنَا تَدُلُّ عَلَيْنَا»^۲ گستره‌ای وسیع دارد و شامل حقیقت‌یابی و تعیین مصادیق
حق نیز می‌شود.

۱. دیوان حافظ: ۲۵۹، غزل ۴۱۱.

۲. این جمله، حدیث نیست اما کلامی است حکیمانه که برخی اخبار نیز آن را تأیید می‌کند. ←
مستدرک الوسائل ۱۳: ۳۰۸، ح ۲، و ص ۲۰۷، ذیل ح ۱۵.

ارسال انبیا (علیهم السلام) و غایت رسالتشان، تأکید بر ثمره‌ای است که می‌تواند ملاک بررسی حقیقت مذاهب و مکاتب باشد: «وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءُ لَيْسَتْ أَدْوَاهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ ... وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ»؛^۱ هدف، بیداری گسترده و نهادینه ساختن عقل و آشکار نمودن دفینه‌های خرد است. مدعیان نبوت، به اثبات این پردازند که چه ارمغانی برای عقل و پروراندن عاقلان دارند؟ هر که خردمندان بیدار فطرت و عاقلتر تربیت کند، حق است و دیگری، باطل!

«شیعه» و «سقیفه» در جدالی احسن، پرورش یافتگان خود را بنمایانند. تمام حقیقت انسان «عقل» اوست: «الْإِنْسَانُ بِعَقْلِهِ».^۲ اگر تمام نزاعها بر سر «سعادت» و «شقاوت» است باید دانست که: «فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ نَفْعَ مَا أُوتِيَ مِنَ الْعَقْلِ».^۳ پس هر مذهبی که پرورش عقل و عاقل نتواند، شقی پرور است!

مقایسه طراز عقل و عاقلان مذاهب، معیاری است دقیق و عاقلانه در فهم و فهمانیدن؛ و این راه، دفاعی است زیرکانه - و شاید غیر مستقیم اما کارساز - از مبانی تشیع. عالمان مذاهب، نماد آن مذهبند و بایسته آن است که این نمادها را آزمود تا به اصالت یا بدعت مذاهب پی بُرد:

لَا تَخْسِبِ النَّاسَ شَكْلًا وَاحِدًا أَبَدًا فَرُبَّمَا قَامَ إِنْسَانٌ مَقَامَ مِائَةٍ
الدَّالُّ وَالذَّالُّ فِي التَّصْوِيرِ وَاحِدَةٌ فَالذَّالُّ أَرْبَعَةٌ وَالذَّالُّ سَبْعُمِائَةٍ

۲. «جان پرور است قصه ارباب معرفت»؛^۴ و این ره آورد کافی است تا در ضرورت پرداختن به شرح حال «بزرگان شیعه» تردید ننمود! گزاف نیست

۱. «پیامبرانش را یکی پس از دیگری به سوی مردم فرستاد تا اجابت پیمان فطرت را از آنان بخواهند ... و گنجها و دفینه‌های نهفته در عقلشان را بنمایانند و بارور سازند»؛ نهج البلاغه: خطبه ۱، بند ۳۶.

۲. غرر الحکم: ۴۹، حکمت ۲۹۵.

۳. «آنکه بهره از عقل ندارد، بی سعادت است»؛ نهج البلاغه: نامه ۷۸، بند ۴.

۴. دیوان حافظ: ۲۵۹، غزل ۴۱۱.

اگر گوییم: راه تعالی بخشیدن به نفوس مستعدّه، همین مطالعه زندگینامه‌هاست؛
و جوانان ما:

سرشک گوشه گیران را چو دریابند، دُر یابند

رُخ مهر از سحر خیزان نگردانند، اگر دانند^۱

۳. طرح تألیف و تدوین شرح حال علمی بزرگان شیعه

پیشنهاد تألیف و تدوین روشمند مجموعه «بزرگان شیعه» برآیند تفکر دفاع عقلانی از شیعه است و شناسایی الگوهای اصیل را به دنبال دارد. «آنچه در این طرح عرضه می‌شود، زندگینامه علمی بزرگانی است که در عرصه علم و عمل گوی سبقت را از دیگران ربوده، منشأ خدمات فراوان به مکتب پویای شیعه شده‌اند و نقشی اساسی در حفظ و پاسداشت حریم تشیع ایفا کرده‌اند. پرداختن به ابعاد مختلف زندگینامه همه بزرگان کاری است بس دشوار و عظیم؛ با این حال مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه برای تحقق بخشی از وظایف حوزه‌های علوم دینی در زمینه معرفتی دقیق و همه جانبه عالمان و مؤلفان آثار مکتوب مترقی تشیع و نیز تبیین صحیح و عالمانه پیشینه علمی و فرهنگی شیعه، ترویج فرهنگ ناب این مذهب و تأمین پشتوانه‌های علمی برای کارآمد سازی تحقیقات پژوهشگران این طرح را در دستور کار خود دارد».

۴. کتاب حاضر (شیوه زندگینامه نویسی)

هر جلد از دوره بیش از صد جلدی مجموعه «بزرگان شیعه» به یکی از بزرگان اختصاص دارد و حدود ۵۰۰ تا ۹۰۰ صفحه وزیری خواهد بود. نمایان است که کلان طرحی چنین، به وحدت روش نیاز دارد. یکسان سازی روش ساختاری و روش محتوایی، در گرو «شیوه نامه» ای است رسا و برجسته. نه این باشد، پَریشانی طرحی کلان و وزین آرمان، حتمی خواهد بود. از این رو، کتابی که فرارویتان قرار

دارد، عهده‌دار تبیین شیوه تدوین ساختار و درونمایه زندگی‌نامه عالمان شیعه است. فرخندگی فرجام کارهای دانشنامگی و دراز دامن، بسته به شیوه‌نامه است؛ و صد البته انتظار می‌رود نویسندگان دانشمند این مجموعه، ساختار و درونمایه کارشان را صرفاً بر پایه همین الگو، سامان دهند.

۵. برخی ویژگیهای شیوه نامه حاضر:

- ۵.۱. نخست، در طی چند گفتار کوتاه، آشنایی مختصری حاصل می‌آید با دانش نگارش شرح حال و پیشینه و امتیاز آن از سایر دانشها و فنون همگون.
- ۵.۲. عناصر ساختاری و محتوایی هر کتاب روشمند - خصوصاً زندگی‌نامه - تبیین شده است. عناصر ساختاری، شامل: پیش متن، متن و پس متن. نویسنده هر جلد، کتابش را با رعایت همین ساختار، گرد می‌آورد و تقدّم و تأخّر این ساخت، مطلوب نیست. عناصر محتوایی، شامل: تقسیم زیست‌نامه به سه قسمت و محتوای حیات فردی، حیات اجتماعی - تاریخی، حیات علمی.
- در حیات فردی، چند موضوع مهم کاویده می‌شود و از شناسه شناسنامه‌ای تا تبار و خصوصیات شخصیتی و شهادت یا درگذشت شخصیت، سخن می‌رود. نظیر این شیوه‌شناسی در حیات تاریخی - اجتماعی و حیات علمی نیز مطرح می‌شود. البته دراز دامنی موضوعات حیات علمی، ایجاب کرده تا با تفصیلی در خور، جزء جزء قواعد ثبت این بُعد مهم را عرضه نماییم. می‌باید نکات روش کتاب‌شناسی، روش نسخه‌شناسی، روش شناخت آرا و یافتن تعارض اقوال و برون رفت از تعارض با دقت فزون‌تری مطالعه و اعمال گردد.
- عناصر محتوایی پس متن، تتمیم کار را بر عهده دارند. این بخش، به مثابه سند زیست‌نامه علمی است و قوت آن، به اعتبار دو بخش پیشین می‌افزاید. بخش پیوست این شیوه‌نامه، در پی درج برخی نکات است که به منظور حفظ انضباط شیوه‌نامه، در متن نیامده اما در خاتمه، جای داده شده؛ که از آن جمله است: پیوستها و فهرست‌نامه بزرگان شیعه.

۵.۳. وجهه همت این شیوه نامه، تأکید بر «کاربردی نمودن» شرح حال بزرگان شیعه است. آنچه می تواند در این کاربردی ساختن، مؤثر باشد عبارت است از:

۱. علمی و روشمند بودن ساختار و درونمایه؛

۲. تحلیلی بودن و پرهیز از گزارشگری صرف؛ که این نیز بسته به نگاه علت شناسانه پدیده هاست.

۳. دقیق و ظریف اندیشانه بودن مطالب و تحلیلها؛

۴. مستند نویسی؛

۵. نقادی عالمانه، منصفانه و محترمانه منش و آرای شخصیت؛

۶. پرهیز از پرداخت احساسی، شاعرانه و ثناگستری بیهوده.

عناصری از این دست می توانند «حیات مکتوب» عالمان فرزانة امامی را به «عامل حیات» جامعه شیعی تبدیل کنند. باید از پس پرداخت به زندگی آنان، در پی شناخت و بررسی این بود که عصر و جامعه امروز و فردا، می تواند چه استفاده ای از بزرگان خود کند؟ و ارجمندان همیشه زنده، چه هدایت و فایدتی به سرگشتگان می رسانند؟ مگر نه این است که «نجوم سماء» هدایتگرند و منزلت عالم ربّانی، به «نجم هدایتگر» تشبیه شده است؟^۱

متأسفانه، بیشتر آنچه موجود است نمی تواند نمونه ای تقریباً رسا در این خصوص باشد. البته چاپ دوم کتاب الشهدی الأول حیاته و آثاره (در سلسله اعلام الشیعة) الگویی است نسبتاً مطلوب؛ که می تواند یاریگر تحریر کنندگان زندگینامه بزرگان شیعه محسوب شود. عنایت ویژه به عناصر علمی، کتاب شناسی و نسخه شناسی آثار شهید اول از نقاط برجسته این کار است. نیکوست نکات

۱. قوله - (صلی الله علیه وآله وسلم): «إِنَّ مَثَلَ الْعُلَمَاءِ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ يُهْتَدَى بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبُحْرِ فَإِذَا انْطَمَسَتْ أَوْشَكَ أَنْ تَضِلَّ الْهُدَاةُ». منية المرید: ۱۰۴؛ الترغیب والترهیب ۱:

اخلاقی و خاطرات مستند و آموزنده‌ی مربوط به هر شخص در جای مناسب گنجانده شود تا جذابیت نگاشته، به آموزندگی و تأثیر آن بیفزاید.

ستایش و سپاس

ارج می‌نهم بر زحمات و یزگان ساحت پژوهش که با مطالعه‌ی نبشته‌ی این کمین، بر قوت آن افزودند و قدری از نقایص آن کاستند:

- استاد پژوهشگر، سید محمد رضا حسینی جلالی، که همواره با درس آموزی و شاگرد پروری، سخاوتمندانه یاری‌ام نموده‌اند و حیاتنامه‌ی علمی سترگی برای برخی ناموران شیعی نگاشته‌اند.^۱

- حجة الإسلام رضا مختاری، که رویکرد روشمندان‌اش در تألیف شرح حال شهید اول و شهید ثانی، و نیز بنیانگذاری طرح کلان «بزرگان شیعه»، شالوده‌ای ارجمند نهاد تا بر قوت «حیاتنامه‌های علمی - تحلیلی» افزوده شود.^۲

- حضرات استادان دانشور: علی ابوالحسنی (مُنذر)، سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)، علی اکبر زمانی نژاد، سید رضا باقریان موحد که با نمایاندن نظراتشان، سهمی در نکویی این شیوه‌نامه دارند.

- جناب آقای سید هادی ناطقی که با حوصله و سلیقه در حروفنگاری کتاب، تلاشی در خور داشتند.

در پایان:

● محدث قمی (قدس الله روحه) در سفینه البحار می‌نویسد:

أقول: قال الجلبیُّ فی کشف الظنون: قد ورد فی الأثر عن سید البشر «مَنْ

۱. پاره‌ای از «ترجمه» نگاریهای ایشان: أبو الحسن العریضی علی بن جعفر الصادق (علیه السلام):

حیاته ونشاطه العلمی؛ الإمام أبو الحسن القمّی ابن بابویه وکتابه الإمامة والتبصرة؛ التسمیات طلیعة

المؤلّفات فی الحضارة الإسلامیة؛ تسمیة مَنْ قُتل مع الحسین (علیه السلام) من ولده وإخوته وشیعته؛

حیة المحدث المفسر الحسین بن الحکم الجبّری (۲۸۱ ق) تحقیق رسالة أبي غالب الزراري و.....

۲. برخی آثار شخصیت پژوهانه ایشان: الشهيد الأول حیاته وآثاره؛ الشهيد الثاني حیاته وآثاره.

وَرَّخَ مُؤْمِنًا فَكَانَتْهَا أَحْيَاهُ»^۱.

چنین معنایی دور از خرد نیست هر چند که این سخن منسوب، زنجیره سندی محکمی ندارد. اما حقیقتاً هر که شرح حال مؤمنی فرزانه را عالمانه و کارسازانه بنگارد، او را جاودانه ساخته و هر که اخبار پیشینیان را بنگرد (و بنگارد) بسان آنان خواهد شد. این است کلام امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه):

إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ قَدْ عُمِّرْتُ عُمْرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي، فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَفَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَسِرَّتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمِّرْتُ مَعَ أَوْلَاهُمْ إِلَى آخِرِهِمْ. فَعَرَفْتُ صَفْوَةَ ذَلِكَ مِنْ كَدْرِهِ وَنَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ.^۲

هر چند من به اندازه همه آنان که پیش از من بوده‌اند نزیسته‌ام، اما در کارهایشان نگریسته‌ام و در سرگذشت‌هایشان اندیشیده، و در آنچه از آنان مانده، رفته و دیده‌ام تا چون یکی از ایشان گردیده‌ام، بلکه با آگاهی که از کارهایشان به دست آورده‌ام گویی چنان است که با نخستین تا پسینشان به سر برده‌ام.^۳

چنین ثمره‌ای تنها و فقط در گرو کاویدن کامل ابعاد حیات فرزندگان است؛ وگرنه سرگذشتنامه بسنده کننده به پاره‌ای اخبار و گزارش‌های خشک و روزنامه‌گی، شناسنامه‌ای قطور است که نه سازنده است و نه احیا کننده!

اگر صادقانه، مستند، تحلیلی و «روشمند» بنویسیم و به توضیح و نقد آرا و نگاه‌های شخصیت، عنایت ورزیم، محصول کارمان «احیای بزرگان» است:

يَا رَبِّ حَيِّ مَيِّتٌ ذِكْرُهُ
لَيْسَ بِمَيِّتٍ عِنْدَ أَهْلِ النَّهْيِ
وَمَيِّتٌ يَخِيئُ بِأَخْبَارِهِ
مَنْ كَانَ هَذَا بَعْضَ آثَارِهِ

۱. سفينة البحار ۸: ۴۳۵.

۲. نهج البلاغه: نامه ۳۱، بند ۲۵ و ۲۶.

۳. ترجمه نهج البلاغه: ۲۹۷-۲۹۸.

● بیشترین سعی راقم این سطور، تبیین «شیوه نگارش تراجم‌نامه تحلیلی - علمی» بزرگان است؛ و البته به کاستیهای آن معترف است. هر چند که بر سنجیدنهای مکرر متن و ساختار، به پسندیدگی کار افزود اما «العصمة لأهلها».

● این شیوه‌نامه، در «مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه» و طرح تدوین حیات‌نامه علمی - تحلیلی «بزرگان شیعه» محور عمل و توجه پژوهندگان محترم است. امیدوارم این یادگار، ماندگار ماند و سودبخش دیگر نویسندگان و تراجم‌پژوهان باشد. البته بحث از «روش نگارش و ویرایش» را به کتاب شیوه‌نامه نگارش و ویرایش و انبادهام^۱ و ضروری است، نویسندگان شرح حال علمی بزرگان و نیز دانشنامه آثار شیعه به آن مجموعه نیز نظر داشته باشند تا همداستانی شیوه نوشتن و ویراستن، حاصل آید.

خاشعانه از آستان قدسی آخر ذخیره خدا، حضرت بقیة الله (عجل الله فرجه الشریف) می‌طلبم که این اندک را بپذیرند و آن را در زمره کوشش منتظران ظهورش، منظور دارند.

وَلَا طَ بِقَلْبِي بَلْ بِكُلِّ جَوَارِحِي
مَا تَرَهُمْ حَقًّا وَلَا مَدْحُ مَادِحِ^۲

جُئِلْتُ عَلَى حُبِّ النَّبِيِّ وَآلِهِ
وَمَدْحُهُمْ دَأْبِي وَلَيْسَ بِبَالِغِ

محمدجواد اصغری هاشمی

غدیر المبارک ۱۴۳۲-۱۳۹۰ ش

۱. که ان شاء الله به همت مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه منتشر می‌شود.

۲. سروده‌ای است از شهید ولایت: محمد بن مکی (شهید اول)؛ ر.ک: موسوعة الشهيد الأول (المدخل: حیاته وآثاره)؛ ۴۲۶.